

نقش قلم‌ها، مجید در ادبیات کودک و نوجوان

www.ketab.ir



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

|                     |                                                                   |
|---------------------|-------------------------------------------------------------------|
| سرشناسه             | : مشفق، ماریا، ۱۳۵۴-                                              |
| عنوان و نام پدیدآور | : نقش قصه‌های مجید در ادبیات کودک و نوجوان/ مولف ماریا مشفق.      |
| مشخصات نشر          | : تهران: سنجش و دانش، ۱۳۹۸.                                       |
| مشخصات ظاهری        | : ۹۳ص.                                                            |
| شابک                | : ۹۷۸-۶۲۲-۰۵-۰۸۳۰-۴                                               |
| وضعیت فهرست نویسی   | : فیبا                                                            |
| یادداشت             | : کتابنامه: ص، ۹۱.                                                |
| موضوع               | : مرادی کرمانی، هوشنگ، ۱۳۲۳ - . قصه‌های مجید - نقد و تفسیر        |
| موضوع               | : داستان‌های کوتاه فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد                 |
| موضوع               | : Short stories, Persian -- 20th century -- History and criticism |
| موضوع               | : ادبیات کودکان و نوجوانان (فارسی) -- ایران -- تاریخ و نقد        |
| موضوع               | : Children's literature, Persian -- Iran -- History and criticism |
| رده بندی کنگره      | : PIR۸۲۰۳                                                         |
| رده بندی دیویی      | : ۸۶۳/۶۳                                                          |
| شماره کتابشناسی ملی | : ۵۷۶۴۰۱۶                                                         |

## نقش قصه های مجید در ادبیات کودک و نوجوان

ماریا مشفق  
انتشارات سنجش و دانش  
۵۰۰ نسخه  
۱۳۹۸، اول  
۳۵۰۰ تومان  
۹۷۸-۶۲۲-۰۵-۰۸۳۰-۴

شانی: مهدان انقلاب - خیابان دانشگاه - تقاطع روانمهر-ساختمان سنجش و دانش

شماره: ۰۲۱۶۱۳۶

\*\*\*کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر محفوظ می باشد.\*\*\*

# فهرست مطالب

|    |                                                                      |
|----|----------------------------------------------------------------------|
| ۷  | .....مقدمه                                                           |
| ۱۲ | .....فصل اول                                                         |
| ۱۲ | .....تاریخچه ادبیات کودکان در ایران                                  |
| ۲۲ | .....ادبیات کودک و نوجوان در ایران                                   |
| ۲۶ | .....ویژگی ادبیات کودک و نوجوان                                      |
| ۲۹ | .....ویژگیهای مهم ادبیات کودک و نوجوان                               |
| ۳۰ | .....مهمترین اهداف ادبیات کودک و نوجوان                              |
| ۳۰ | .....انواع ادبیات کودک و نوجوان                                      |
| ۳۱ | .....نقش و کاربرد داستان (قصه) در ادبیات فارسی                       |
| ۳۲ | .....تاریخچه ی قصه                                                   |
| ۳۴ | .....قصه های عامیانه                                                 |
| ۳۴ | .....قصه های ادب کهن پارسی                                           |
| ۳۵ | .....داستان های نوین امروز ایران                                     |
| ۳۶ | .....وجوه اشتراک سه گونه قصه                                         |
| ۳۶ | .....وجوه تفاوت سه گونه قصه                                          |
| ۳۸ | .....فصل دوم                                                         |
| ۳۸ | .....هوشنگمرادیکرمانی برجستهرین نویسندهادبیاتکودکان و نوجوانان ایران |
| ۴۱ | .....زندگی و آثار هوشنگ مرادی کرمانی                                 |
| ۵۰ | .....سبک شناسی آثار هوشنگ مرادی کرمانی در حوزه ادبیات کودک و نوجوان  |
| ۵۳ | .....رابطه واژه ها با موضوع                                          |
| ۵۳ | .....رابطه واژه ها با کل سیستم زبان                                  |
| ۵۴ | .....قصه های مجید                                                    |
| ۵۸ | .....ویژگی های سبکی                                                  |

|    |       |                                                    |
|----|-------|----------------------------------------------------|
| ۵۹ | ..... | بچه های قالیبافخانه                                |
| ۶۹ | ..... | چکمه                                               |
| ۷۰ | ..... | ویژگی های سبکی                                     |
| ۷۸ | ..... | فصل سوم                                            |
| ۷۸ | ..... | قصه های مجید                                       |
| ۸۲ | ..... | زبان عامیانه در قصه های مجید                       |
| ۸۳ | ..... | استفاده از کلمات و اصطلاحات کرمانی در قصه های مجید |
| ۸۶ | ..... | زبان عامیانه                                       |
| ۸۷ | ..... | مجموعه ی تلوتلونی قصه های مجید                     |
| ۸۹ | ..... | لوکیشن های سایت سریال قصه های مجید                 |
| ۸۹ | ..... | حواشی آخرین سکانس                                  |
| ۸۹ | ..... | عوامل سریال قصه ای مجید                            |
| ۹۱ | ..... | منابع                                              |

«قصه‌های مجید»، داستان پسر نوجوانی به نام مجید که همراه با «بی بی» پیر زن مهربان، زندگی می‌کند. شهرت این کتاب از مرزهای جغرافیایی هم فراتر رفته است و هم نویسنده‌اش و هم خودش، از معدود آثار و نویسندگان مشهور و پرمخاطب ما در کشورهای دیگر است. جایزه جهانی اندرسن - سال ۱۹۸۶ میلادی، جایزه کتاب سال ۱۹۹۴ کودکان و نوجوانان اتریش، عنوان نویسنده برگزیده کشور استاریکا و جایزه خوزه مارتینی (نویسنده و قهرمان ملی آمریکای لاتین) - سال ۱۹۹۵ میلادی از جمله افتخاراتی است که عاید نویسنده «قصه‌های مجید» شده است.

این کتاب گوی سبقت از کتاب‌های دیگر را در ترجمه به زبان‌های دیگر ربوده است. «قصه‌های مجید» و نویسنده‌اش، حالا دیگر آن قدر ماجرا دارند که خودش بشود کتاب‌هایی مجزا که متأسفانه تا کنون کمتر به این مهم پرداخته شده است و بجز تعدادی اندک کتاب، کاری در خور و شایسته و بایسته انجام نشده است. چگونه نویسنده شریف و با ذوق «قصه‌های مجید» هم برای خودش داستانی است.

هوشنگ مرادی کرمانی که در سال ۱۳۲۳ در روستای سیرجان پنج بخش شهداد استان کرمان متولد شد، درباره خودش این طور می‌گوید: «زمانی که فقط چند ماه داشتم مادر جوانم را از دست دادم. پس از مدتی هم پدرم که کارمند ژاندارمری بود به علت بیماری ریه‌ای اصرار شد. خواهر و برادری هم نداشتم؛ این شد که من و پدر بیمارم در منزل پدربزرگ و مادربزرگم زندگی کردیم. کودکی من در محیطی ناشاد، با فقر و پر از تنش‌های خانوادگی سپری شد. به اصطلاح روی دست پدربزرگ و مادربزرگی که خودشان هم با هم یک دنیا اختلاف داشتند مانده بودم. اغلب تنها بودم، چون بیماری پدرم موجب می‌شد کودکان روستا من یا او را ریشخند کنند. ولی ذهن قصه‌پردازی

داشتم. خاطرم هست که سقف حمام روستایمان گچ‌بری‌هایی داشت که بعضی جاهاش ریخته بود. من در ذهنم آن‌ها را شکل خرس و گرگ و لاک‌پشت می‌دیدم و با این شخصیت‌ها برای کودکان روستا قصه می‌یافتم!»

«قصه‌های مجید» در سال ۱۳۵۸ منتشر می‌شود و با تبدیل به سریال تلویزیونی به کارگردانی کیومرث پوراحمد در سال‌های پایانی دهه شصت به یکی از پرمخاطب‌ترین مجموعه‌های تلویزیونی بعد از انقلاب تبدیل می‌شود.

خلق این کتاب در سال ۱۳۵۳ شروع می‌شود و برای جلد دوم آن در سال ۱۳۶۰ لوح تقدیر شورای کتاب کودک را دریافت می‌کند. البته یادتان باشد که کتاب «قصه‌های مجید» با سریال آن به طور کلی فرق دارد. تا به امروز این کتاب به بیش از ۳۰ چاپ رسیده است و جایزه‌های داخلی آن هم عبارت‌اند از: کتاب برگزیده شورای کتاب کودک ۱۳۶۲ و ۱۳۶۰، کتاب برگزیده سال ۱۳۶۴، کتاب برگزیده مجله سروش نوجوان ۱۳۶، کتاب برگزیده ده جبه کیهان بچه‌ها ۱۳۶۷، کتاب برگزیده کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ۱۳۶۸.

تأخیر و غفلت درباره کارهایی که باید خیلی زودتر از این‌ها انجام می‌دادیم، از عادت‌های ما ایرانی‌ها شده است. راز موفقیت مرادی کرمانی در این است که از آن‌چه باید است و زندگی کرده است، می‌نویسد و نوشته‌هایش سفارش جامعه است. این هم بخش مهمی از داستان یکی از پرخاطره‌ترین کتاب ایرانی است که دو دهه در برابرش مقاومت می‌شود تا به مدارس راه پیدا کند.

خودش در گلابیه از دو دهه جلوگیری از راه نیافتن «قصه‌های مجید» به مدارس می‌گوید: «تا بیست سال بعد از نوشته شدنش اجازه ندادند به مدارس راه پیدا کند چون معتقد بودند مجید بی ادب است، دروغ می‌گوید، به بی بی اش می‌گوید تو! و این بدموژی دارد! چیزی که مجید برای

مردم دارد این است که واقعی است. مردم حتی عیب‌های خود را در مجید می‌بینند؛ دروغ‌گویی، روراستی و پیچیدگی که در عین سادگی دارد. همین است که هست. من اصلاً سعی نکردم گرد و خاکش را بگیرم. مجید یک بچه ایرانی به تمام معناست برای همین به دل نشسته و تبدیل شده به شخصیت ایرانی. اگر پینوکیو دروغ می‌گوید به خاطر این است که دروغ در آن جا رواج دارد. به نظر من، انسان ایرانی مثل پیاز است، هر پوستش را که بکنی، پوست دیگری زیرش هست، حتی در قبرستان‌های ایران پیاز کاشته‌اند! فکر می‌کنم شخصیت پردازی‌هایم بسیار بسیار ایرانی است. و نکته مهم آن که، فقر مجید با فخر همراه است نه با گدایی و بدبختی و فلاکت. فقر مجید شرم‌آور نیست. معتقدم هر کاری که در دنیا ماندگار شده است، خصوصیت آدم‌های آن جامعه را در خود دارد و هر کس از زاویه دید خودش با آن همذات‌پنداری می‌کند. از روحانی گرفته تا استاد دانشگاه و حتی بچه روستایی ته کرمان یا جیرات و همه جای ایران خودش را در مجید می‌بیند.»

حالا سال‌هاست که مرادی کرمانی، مشهورترین نویسنده ایرانی است و اغلب شهر و روستاهای ایران از حضورش در آنجا خاطره دارند و کتاب‌هایش در هر کتابخانه دانش‌آموزی و مردمی راد دارد. از همه بیشتر هم همین «قصه‌های مجید» است.

مرادی کرمانی، تجربه کار در رسانه و بازخود گرفتن از مردم را دارد. زمانی روزنامه نگار بوده است و کارش از مجله «خوشه» احمد شاملو از سال ۱۳۴۷ شروع می‌کند و زمانی در رادیو کار کرده است. «قصه‌های مجید» را هم از اتلافق برای برنامه «خانواده» رادیو ایران نوشته است. در سینما و تلویزیون هم فعال بوده است که منجر به خلق چند اثر ماندگار در سینما و تلویزیون ایران شده است.

شهرت «قصه‌های مجید» و آثارش نیز در وهله اول از همین رسانه‌ها می‌آید. اما چه چیزی باعث شد تا از همان اول، کارهایش طرفدار پیدا کنند. وقتی که سریال «قصه‌های مجید» به کارگردانی کیومرث پوراحمد پخش شد، مردم ذوق زده شدند از این که آدم‌های سریال، مثل خودشان حرف می‌زنند و رفتارشان در میان آن‌ها مشابهت دارد. مرادی کرمانی خودش به این نکته اذعان دارد. او از محمدعلی جمالزاده، پدر داستان نویسی معاصر ایران می‌آموزد که واژه‌ها و فرهنگ عامیانه را وارد ادبیات بکشد و حواشی به این نکته هست که بجای زبان نوشتار از زبان گفتار بهره ببرد و از این که زبان گفتار را برای شیک شدن به زبان نوشتار تبدیل کند، ابا دارد.

او پیش از این که مادر هدایت تکیه‌اش بر فرم داستان باشد، به کارکرد زبان مردم در داستان‌هایش توجه دارد. این نکته‌ای است که در «قصه‌های مجید» هم مشهود است. خودش هم اعتراف می‌کند که در نوشتن پیش از آن که تحت تأثیر سادق هدایت باشد، محمدعلی جمالزاده، الگوی نویسندگی‌اش است. می‌گوید: «مدرسه که ما به آن در شانزده، هفده سالگی داستانی نوشتیم که معلم به من گفت شبیه جمال زاده نوشته‌ای. من شنای‌اش؟ گفتم نه. گفت نویسنده است، کتاب‌های زیادی نوشته، مثل «یکی بود یکی نبود». مدرسه که تا غلیل شد به سرعت به کتابفروشی رفتم تا کتابش را بگیرم و بفهمم این جمال زاده کیست که من شبیه او می‌نویسم. این را برای خودش هم نوشتیم. بعدها که با او مصاحبه کردند و از او پرسیدند بهترین داستان نویس ایرانی کیست، گفت هوشنگ مرادی کرمانی چون مثل من می‌نویسد».

آنچه مشخص است «قصه‌های مجید» تا به امروز در ادبیات کودک و نوجوان ایرانی بی رقیب مانده است و هنوز هم که هنوز است، اثری را نمی‌توان مثال زد که به محبوبیت آن رسیده باشد و شخصیتی مانند «مجید» را خلق کرده باشد که بخشی از خاطرات ایرانی‌ها را در کودکی و نوجوانی

با خود داشته باشد. مرادی کرمانی در پاسخ به پرسش مهسا ملک مرزبان درباره امان تکرار دوباره «قصه‌های مجید» به قلم نویسندگان نسل‌های بعدی می‌گوید: «من یک روستایی زاده‌ام که تا سیزده، چهارده سالگی در روستا بودم و حتی ماشین ندیدم. طبیعی است که بچه‌های امروز نمی‌توانند این باشند که بتوانند قصه‌های مجید بنویسند، اما موقعیت و قصه خودشان را خوب می‌توانند بنویسند، به شرط آن که برای بازتاب آن عجز نباشند. من بعد از سال‌ها نویسنده‌گی برای رادیو و مطبوعات متوجه شدم که باید با مردم این طور صحبت کنم. هر زمانه‌ای نویسنده و کشتی گیر و هنرمند خردش را دارد. اگر اثر هنری بتواند از زمان و زبان بگذرد، ماندگار می‌شود. باید صبر کرد و دیدی آیا هر پاتر، کولا کوچولو، الیور توئیست یا پینوکیو برای نسل بعد هم جواب می‌دهد یا نه.»